طرح: هانی انصاری/ایران

نیم نگاه

■ پسرجوان و درشت‌اندامی زیر سایه مغازه‌ای نشسته و به اطراف نگاه می‌کند. به سمتش می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم می‌توانم سؤالی بپرسم؟ انگار گیج شده باشد می‌خندد و می‌گوید: «هزار تومان بده جوابت را بدهم!» دست توی جیبم می‌برم و یک اسکناس هزاری بیرون می‌کشم، یک اسکناس پانصد تومانی هم لای پول‌ها هست که آن را هم می‌خواهد: «پانصدی را هم بده می‌خواهم ناهار بخورم.» هزار و ۵۰۰ می‌گیرد و می‌گوید بپرس. می‌گویم رأی می‌دهی؟ جواب می‌دهد حتماً رأی می‌دهم. هر کسی که یارانه بیشتری بدهد به او رأی می‌دهم.

■ یک بوتیک‌دار و تحصیلکرده روانشناسی: رأی دادن و قدر صندوق رأی را دانستن قبل از هرچیزی تمرین دموکراسی است. تمرین برای اینکه بتوانیم با همه اختلافات سیاسی و فرهنگی مشکل‌مان را با صندوق رأی حل کنیم. شما به کشورهای منطقه نگاه کنید؛ دقیقاً به همان اندازه که مشارکت در انتخابات کم است و انتخابات جایگاه ضعیفی دارد، مشکلات‌شان هم بیشتر است. به همین دلیل من همیشه فکر می‌کنم رأی دادن یک مسئولیت اجتماعی است. این مسئولیت با برگشتن از پای صندوق رأی به خانه تمام نمی‌شود. باید با نقد عملکرد دولت تا پایان دولت از رأی‌ات مراقبت کنی.

رأی دادن یک مسئولیت اجتماعی است

صندوق رأی، قلّک امنیت و پیشرفت

محمد معصومیان

شهروندان می‌گویند جمعه پای صندوق رأی خواهیم آمد اما نه برای چند برابر شدن یارانه؛ ما به پیشرفت و آبادانی و کار و ترقی رأی خواهیم داد نه به صدقه. اغلب شهروندان از نتیجه چند برابر شدن یارانه‌ها اطلاع دارند و مثل یک تحلیلگر اقتصادی عواقب آن را بررسی می‌کنند؛ تقسیم عادلانه فقر. با این همه قریب به اتفاق آنها نیز از حمایت چند برابری اقشار محروم حمایت می‌کنند و اعتقاد دارند دولت آینده به جای تقسیم فقر بین همه اقشار، از دهک‌های آسیب‌پذیر بیشترین حمایت را داشته باشد و با یارانه غیرمستقیم عمومی طرح تحول سلامت را ادامه دهد و نیز به حمایت از کار و کارگران و خدمات عمومی بپردازد.

سیدخندان مثل همیشه شلوغ است. راننده‌های تاکسی هم یا در نوبت نشسته‌اند یا مشغول پر کردن ماشین. محمد مردانی راننده تاکسی روی صندلی لم داده و مشغول حرف زدن با دوستی است که بیرون ماشین روی جدول نشسته. مردانی از سؤالم و اینکه آیا حاضر است برای یارانه بیشتر پای صندوق رأی بیاید، خنده‌اش می‌گیرد و سؤالی از من می‌پرسد: «به نظر خودت اگر دولت همین الان می‌توانست یارانه را بالاتر ببرد این کار را نمی‌کرد؟ آخه مگر مریض هستند که یک کار شدنی را آن هم به نفع رأی خودشان انجام ندهند بعد دست روی دست بگذارند که بقیه این کار را بکنند. خب خودش مبلغ یارانه را می‌برد بالا که پرچم خودش را بالا ببرد.» دوستش دنبال حرفش را می‌گیرد: «آقا این حرف‌ها دروغ و دبنگ است. اگر مملکت آنقدر پول داشت که وضعیت ما این نبود. یادمان نرفته که چند سال پیش چه وضعی داشتیم. همین قدر که حالا چرخ مملکت می‌چرخد باید خدا را شکر کنیم.»

هر دو فکر می‌کنند رأی آنها چندان تأثیری در سرنوشت مملکت ندارد. به تفاوت دیدگاه‌ها واقفند و می‌دانند بین دوره‌های مختلف تفاوت آشکاری هست اما کل ماجرا را فارغ از رأی خود بررسی می‌کنند. با این همه تأکید می‌کنند که شاید پای صندوق بروند و رأی بدهند: «اگر رأی بدهیم که احتمالاً این کار را بکنیم، به خاطر یارانه و این چیزها نیست. ان‌شاءالله با رأی ما مملکت بیش از پیش رو به جلو برود و وضع نابسامان چند سال قبل دیگر تکرار نشود.»

میدان تجریش از لحاظ مختصات شهری شمال شهر است اما همیشه می‌شود در گوشه و کنارش دستفروشانی را دید که هر کدام مشغول فروش شال و روسری یا خوراکی و غذا و وسایل ریز و درشت دیگری هستند. آدم‌هایی که از پایین شهر به اینجا می‌آیند تا امرار معاش کنند. دختری جوان در محوطه روبه‌روی امامزاده صالح(ع) دو قابلمه عدسی و آش جو می‌فروشد. قیمت‌ها را هم روی کاغذی نوشته و کنار قابلمه‌ها گذاشته. عینک گرد فلزی به چشم دارد و چادر مشکی به سر. خودش می‌گوید دانشجو است و برای هزینه تحصیل صبح‌ها این کار را می‌کند. او در انتخابات شرکت خواهد کرد اما نه به خاطر یارانه: «این همه سال یارانه گرفتیم اما هیچ تأثیری در زندگی ما نداشت که هزینه‌ها گران‌تر هم شد. هیچ‌کس با این مبلغ‌ها زندگیش عوض نمی‌شود، لااقل توی تهران. من نمی‌گویم دولت نباید به محرومان کمک کند؛ بله این وظیفه دولت است و باید حمایت‌ها را بیشتر کند اما اینکه یارانه برابر به همه بدهیم و چند برابرش هم بکنیم، درواقع کشور را در ورطه فقر گرفتار کرده‌ایم. من حتماً در انتخابات شرکت می‌کنم و اگر به هر دلیلی این کار را نکنم بعدها غصه خواهم خورد.»

همین‌طور که حرف می‌زند حواسش به مشتری‌ها هم هست. برای مردی که کمی جلوتر بساط سیگارفروشی دارد عدسی می‌ریزد. مرد هم می‌ایستد و وارد بحث می‌شود: «آقا اگر یارانه تأثیری داشت که ما اینجا نبودیم. جای این کارها برای مردم شغل درست کنند. هر چقدر یارانه را بالا ببرند دوباره از آن طرف پول آب و برق را بالاتر می‌برند. من حتماً در انتخابات شرکت می‌کنم. اما این سؤال شما واقعاً زشت است؛ چرا من باید به خاطر یارانه رأی بدهم؟ من به خاطر سربلندی کشور رأی می‌دهم. ما که بچه نیستیم با قاقالی لی سر صندوق برویم.» می‌گوید از قوچان برای کار به تهران آمده: «شاید باشند کسانی که یارانه برای‌شان جذاب باشد اما لااقل برای من که این طور نیست.»

از میدان فردوسی به سمت خیابان جمهوری می‌روم. هر گوشه بساط عینک فروشی است و گوشه‌های خیابان مردانی هم اسکناس‌های نو می‌فروشند. پسر جوان و درشت‌اندامی زیر سایه مغازه‌ای نشسته و به اطراف نگاه می‌کند؛ به سمتش می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم می‌توانم سؤالی بپرسم؟ انگار گیج شده باشد می‌خندد و می‌گوید: «هزار تومان بده جوابت را بدهم!» دست توی جیبم می‌برم و یک اسکناس هزاری بیرون می‌کشم، یک اسکناس پانصد تومانی هم لای پول‌ها هست که آن را هم می‌خواهد: «پانصدی را هم بده می‌خواهم ناهار بخورم.» هزار و ۵۰۰ می‌گیرد و می‌گوید بپرس: «حتما رأی می‌دهم، هرکسی که یارانه بیشتری بدهد به او رأی می‌دهم.» ۳۲ ساله است و ساکن میدان سبلان، قبلاً پیک موتوری بوده و حالا بیکار. می‌پرسم چرا کار نمی‌کنی؟ می‌گوید: «کاری نیست که انجام بدهم» می‌گوید تحصیلکرده است و وقتی می‌پرسم چه مدرکی داری، جواب می‌دهد «سیکل» نمی‌دانم بخندم یا گریه کنم. مردی میانسال با لباسی مرتب پشت فرمان پراید زهوار در رفته‌ای نشسته. سیم‌های چراغ سقف از جایش بیرون زده و ماشین کمی می‌لرزد. مرد شبیه بازنشسته‌هایی است که مجبورند با مسافرکشی زندگی کنند. اگر قرار باشد ماجراجویی‌ها ادامه پیدا کند، آب درمی‌آید. بازنشسته سازمان اوقاف است و آن‌طور که می‌گوید پسرش در دانشگاه آزاد درس می‌خواند و او مجبور است با پرایدش کار کند تا خرج زندگی را «یر به یر» کند. او به امید زندگی بهتر برای فرزندش و آینده‌ای بهتر برای کشور جمعه پای صندوق خواهد رفت: «امیدوارم رأی ما باعث بهتر شدن اوضاع کشور شود. هنوز یادمون نرفته اوضاع کشور همین ۵ - ۶ سال پیش چطور بود. تورم کمر ما را شکسته بود. هر لحظه قیمت‌ها بالاتر می‌رفت. نمی‌خواهم بگویم الان اوضاع خیلی بهتر شده ولی لااقل آنقدر استرس نداریم. هر روز استرس این را نداریم که رئیس جمهوری چیزی بگوید و دلار برود بالا و ارزش پول‌مان بیاید پایین. من که واقعاً ترجیح می‌دهم در این دنیا نباشم اگر قرار باشد ماجراجویی‌ها ادامه پیدا کند. ما یادمان نرفته چطور با یارانه عزت مردم را زیر سؤال بردند و هر روز آنها را فقیرتر کردند.» اعتراف می‌کنم باور این همه بلوغ سیاسی برای من عجیب است؛ مجید که در کوچه برلن بوتیک دارد و تحصیلکرده روانشناسی است، درباره انتخابات و اهمیت صندوق رأی این‌طور توضیح می‌دهد: «رأی دادن و قدر صندوق رأی را دانستن قبل از هرچیزی تمرین دموکراسی است. تمرین برای اینکه بتوانیم با همه اختلافات سیاسی و فرهنگی مشکل‌مان را با صندوق رأی حل کنیم. شما به کشورهای منطقه نگاه کنید؛ دقیقاً به همان اندازه که مشارکت در انتخابات کم است و انتخابات جایگاه ضعیفی دارد، مشکلات‌شان هم بیشتر است. به همین دلیل من همیشه فکر می‌کنم رأی دادن یک مسئولیت اجتماعی است. این مسئولیت با برگشتن از پای صندوق رأی به خانه تمام نمی‌شود. باید با نقد عملکرد دولت تا پایان دولت از رأی‌ات مراقبت کنی. به همین خاطر من به دولتی رأی می‌دهم که بتوانم لااقل در فضای مجازی نقدش کنم؛ دولتی که بشود با آن حرف زد، دولتی که اعتقاد به گفت‌وگو داشته باشد و خودش را بی‌نیاز از نظر مردم نداند.»

با خودم فکر می‌کنم گاهی سیاسیون در تحلیل‌های خود از خواست مردم و مطالبات‌شان چقدر اشتباه می‌کنند. به یک نتیجه مهم دیگر هم می‌رسم و آن اینکه بهترین تحلیل برای درک جامعه نه تحلیل از بالا بلکه تحلیل از پایین است و اینکه اساسی‌ترین رکن هرتصمیمی در جامعه خواست مردم و خواست خود جامعه است؛ خواست و مطالبه‌ای که با برگه رأی بروز پیدا می‌کند.

خرج تراشی و بیلان پرکنی با جشنواره‌های به دردنخور شهری

نمایشگاه مد لباس و غذای لذیذ در حاشیه شهر

ترانه بنی یعقوب

بوی غذا همه پارک را پر کرده. یکی از جشنواره‌های منطقه‌ای است در سرای یکی از محلات تهران. یکی از مناطق جنوبی شهر. مسئولان سرای محله از زنان خواسته‌اند در جشنواره غذا شرکت کنند. البته این تنها جشنواره‌ای نیست که زنان منطقه در آن شرکت کرده‌اند، قبل از آن هم جشنواره مد و لباس اسلامی برگزار شده بود، برنامه‌های آموزشی هم گاه گاهی هست.

مرضیه یکی از زنانی است که درجشنواره کیک پزی سرای محله که در پارک منطقه برگزار شده شرکت کرده. در خیابان... تهران. ۴۳ ساله است و کیک پخته تا در جشنواره شرکت کند. کنار میز کوچکش ایستاده و از بوی دستشویی پارک که حتی در میان آن همه بوی غذا هم بیشتر شرکت‌کنندگان را کلافه می‌کرده گلایه می‌کند.

مرضیه برایم می‌گوید پارک از مناطق پر خطر منطقه است و در آن به راحتی مواد مخدر خرید و فروش می‌شود و کارتن خواب‌ها هم اغلب شب‌هایشان را همین جا روز می‌کنند: «نمی‌گویم برگزاری این جشنواره‌ها بد است اما فضای پارک را ببینید، بوی دستشویی بدجور اذیت می‌کند. کاش این برنامه را جای دیگری برگزار می‌کردند. قبلاً هم زیور آلات دست ساز اینجا فروخته‌ایم خیلی اذیت شدیم پارک پر از معتاد است.»

شاید شما هم از برنامه سرای محله‌تان یا دیگر مراکز محله و شهرتان تا حدودی باخبر باشید، شاید هم نه. برخی از مراکز شهرداری هر ساله در برگزاری فستیوال‌های شهری فعال می‌شوند؛ از جشنواره غذا گرفته تا دیگر برنامه‌های معمول مثل برگزاری نمایشگاه مد و لباس، صنایع دستی و سوغات و... برای زنان محله.

این روزها که بازار مطالبات زنان از شوراهای شهر و دیگر نهادهای شهری داغ است، تعدادی از فعالان حوزه زنان به این برنامه‌ها انتقاد دارند و معتقدند هرچند برگزاری فستیوال‌های شهری مفید است اما اغلب این برنامه‌ها که توسط سراهای محله و دیگر نهادهای شهری طراحی می‌شود، بدون کارشناسی کافی و نیازسنجی زنان منطقه بوده و بودجه‌های کلانی که در این زمینه مطالعات میدانی گسترده‌ای انجام داده.

او در گفت‌وگو با ما، برگزاری این جشنواره‌ها را بدون کارشناسی دقیق و صرفاً نمایشی می‌داند: «جشنواره‌هایی که در پارک‌ها، توسط مراکز و سازمان‌های مرتبط با امور زنان در سراهای محلات و... برگزار می‌شود، بویژه آنها که اغلب جامعه هدفشان زنان است، وقتی به طور مشخص، تفکیک نشده و به نیازهای زنان دراقشار، گروه‌های سنی و حتی طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت توجه نکنند، نمایشی خواهد بود.»

به گفته او در برنامه‌هایی که توسط شهرداری تهران انجام می‌شود، زنان از کمترین امکانات ورزشی در محیط سالم محروم هستند. به طور کلی کمتر نهاد، سازمان و مرکزی به صورت تفکیک شده، جدی و بعد از نیازسنجی صحیح، دلسوزانه و ساختارمند به امور زنان می‌پردازد: «آیا به نظر شما در مناطق حاشیه‌ای و محروم و در محله‌هایی که بیشترین مراکز بی‌دفاع شهری را دارند، جایی که عبور و مرور فروشندگان مواد مخدر زیاد است و کمترین میزان امنیت وجود دارد و زنان حتی برای مدرسه رفتن فرزندانشان خیالشان راحت نیست، جشنواره غذا و مدل‌های لباس و طراحی مد معنا دارد؟ با کمی دقت متوجه می‌شویم که متصدیان امور کلیت جریان را نوعی از سرباز کردن می‌دانند و بیلان پرکنی تصور می‌کنند.»

> آیا دیدن انواع غذا و لباس‌های جورواجور برای کسانی که هنوز از نیازهای اولیه مثل امنیت، بهداشت و سلامت محروم هستند پرفایده‌تر است یا برنامه ریزی‌های دقیق و مناسب با شرایط زنان در مناطق محروم و در حاشیه برای توانمندسازی آنها؟

عکس: جام جم آنلاین

وقتی خارج از فضای ذهنی مجریان طرح و به عنوان یک پژوهشگر و فعال اجتماعی وارد این موضوع می‌شویم چهره دیگری از واقعیت بروز پیدا می‌کند. همان طور که نتایج تحقیق پردیس عامری در گفت‌وگو با زنان در مناطق حاشیه‌ای حکایت دیگری دارد: «طی گفت‌وگو با این زنان مشخص شد بیشتر آنان امکان ورزش در محیط سالم و امن، امنیت در محله شهری، داشتن محیط تفریحی سالم، رسیدگی‌های بهداشتی رایگان در پارک محل یا مراکز مرتبط و نزدیک به منزل‌شان را اولویت می‌دانند و بعد از آن به شرکت در جشنواره‌های شهری از این دست تمایل نشان می‌دهند. خیلی از آنها حتی اعلام کردند پول کافی برای تهیه مواد اولیه و شرکت در بسیاری از جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها را ندارند. آنها همچنین تأکید می‌کردند در شرایط پرآسیب محله‌شان ترجیح می‌دهند به جای هزینه‌های کلان که اغلب دست پیمانکاران است و صرف برگزاری این جشنواره‌ها می‌شود از اعضای محله نیازسنجی شود و بعد از آن تصمیم‌گیری شود.»

با این حساب آیا دیدن انواع غذا و لباس‌های جورواجور برای کسانی که هنوز از نیازهای اولیه مثل امنیت، بهداشت و سلامت محروم هستند پرفایده‌تر است یا برنامه ریزی‌های دقیق و مناسب با شرایط زنان در مناطق محروم و در حاشیه برای توانمندسازی آنها؟

این زمینه‌ها صرف می‌شود صرفاً برای پر کردن بیلان کاری است. برنامه‌هایی که نتوانسته نیازهای زنان این مناطق را به خوبی شناسایی کند و معمولاً بهره‌مندی کافی هم ندارد.

«جشنواره‌هایی مثل جشنواره غذا شاید به خودی خود بد نباشند، اما مشاهدات میدانی و پژوهش‌ها جزئیاتی دیگر به دست می‌دهد که با ظاهر موضوع متفاوت است.» این‌ها گفته‌های **پردیس عامری، پژوهشگر اجتماعی** و فعال حوزه زنان است که در این زمینه مطالعات میدانی گسترده‌ای

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۴۹۸

جدول عادی

افقی:
۱- پول معاش و گذران زندگی- انبرک- کشتی‌گیر آماده
۲- دیکتاتوری- رسمی در زورخانه
۳- بینوا- برهنه- ماه هفتم میلادی- ماتیک
۴- صدای تمسخر- این هم ماه چهارم سال میلادی- کاشف میکروب سل- برزن
۵- بنده- موج آب- مظهر عدالت
۶- یخدان فروتقه از جمله یادمان‌های تاریخی و دیدنی این شهر استان خراسان رضوی به شمار می‌رود- آشکار کننده- غول ماهی
۷- پسوند دال بر زمان- چالک وسط شکم- پیدا کرد- پول قدیم ایتالیا
۸- کشوری در غرب قاره آفریقا
۹- خرناس- ستون دروازه- پسوندمکان- حرف نفرت
۱۰- آینده- جایگاه- دارای یک امتداد
۱۱- هدف تیراندازی- مشاهده کردن- شیوا
۱۲- فربه و گوشتالو- گندم- کل- رنجوری
۱۳- نت بعد از می- رنگ سفید که به سرخی زند- چاق خارجی- خداوند
۱۴- معادل پایانه- پلی در استان اردبیل با قوس شاخ بزی تند که با مصالح آجری و نمای سنگی ساخته شده است
۱۵- بنی اسرائیل- گوشه و کنج- ابواب

عمودی:
۱- خواهر مادر- همبازی جواد عزتی و نیوشا ضیغمی در فیلم سینمایی هفت معکوس (روی پرده سینما)
۲- سالن غذاخوری — چابک و موذی
۳- هواپیمای عجول- ترمز چارپا- یاخته‌های پشتیبان دستگاه عصبی- درخت انگور
۴- تیر پیکاندار- مصونیت- نفس چاق- نخجیر
۵- کار داس!- ثروت حاصل از کار غیر تولیدی و بادآورده- مهراس
۶- میراث- فهمیده، دانا- خوک وحشی
۷- عود- روز- بیمارستانی در تهران در خیابان سمیه- خروس مازنی
۸- نوعی دسر
۹- فاضلاب- گروه تحقیقاتی- بشر- عصب
۱۰- تیر انداختن- جمع نفس- مستحب
۱۱- شکل و قیافه- خانه چوبی- روش
۱۲- عضو اصلی تنفس- شهری در غرب فرانسه- مدد- دوستی
۱۳- صدای زنبور- تنبلی،سستی- سنگ آسیاب- پاره کردن
۱۴- یکی از نخستین رشته‌های المپیک مدرن- اتوبان
۱۵- رگ نگاری- باقی گذاشتن

جدول ویژه

افقی:
۱- گندمگون- کثیف- حریفان
۲- گونه‌ای پرنده آبچر- از مکاتب هنری
۳- مملو- همان یک است- نوعی سالاد- کوشش
۴- زیست- دندان نیش- شیرینی خامه دار- جیحون قدیم
۵- تبار- زنگوله- وسیله تراشیدن مواد از کف
۶- لنگه به لنگه- شیره درختان که اغلب در فصل بهار از شاخه‌ها و تنه درختان خارج می‌شود- پناهگاه
۷- رطوبت ناچیز- نورانی- منسوج- مرواریدها
۸- از بازیگران مرد مجموعه در حال پخش دورهمی
۹- بلادرنگ- شهری در استان کرمان- چغندر پخته- ویتامین جوانی
۱۰- دستبند زنانه- پشم درون دوات- ادای سخن
۱۱- یکی از ۱۲ حواری مسیح- همزاد- درخت جنگلی
۱۲- فلج- فرد- هشتمین ماه میلادی- مظهر سردی
۱۳- قمر مشتری- انبوهی- فرتوت- ماه کم حرف
۱۴- شهری در قبرس- اکوسیستم
۱۵- پرنده‌ای شناگر- لپ‌تاپ قابل حمل- شاخه نازک درخت

عمودی:
۱- روش سالم پخت مواد غذایی- سریالی از محمد حسین لطیفی
۲- کشوری در شمال شرقی ساحل امریکای جنوبی- غیر مسطح
۳- یار پت!- لعن- نام مردانه- جای پا
۴- برکت برنج- شستن تن در آب- ضربه سر- کم حجم
۵- کاشتنی انفجاری- ماهی سریانی- گل سرخ نقاشی
۶- فیلمی از آیدا پناهنده- فالگیر- مقیم
۷- واحد سطح- اندیشه‌ها- کشوری در منطقه خاورمیانه- برش سینمایی
۸- یکی از آثار تاریخی و از نقاط دیدنی استان بوشهر
۹- سردوشی- از تقسیمات ارتش- دانه نهانزا- بازی نفس‌گیر
۱۰- جامه- بند استخوان- موسیقی
۱۱- ستون دروازه- پیرو- بزرگ‌ترین سیارک منظومه شمسی
۱۲- گله گوسفندان- مایه- آدم آهنی- مهم‌ترین جشن مردم ویتنام
۱۳- بلندای قامت- عامدانه- سرخ کم رنگ- خشکی
۱۴- بنایی تاریخی در شهر مراغه- لقب شاهان اتریش
۱۵- التهاب پرده داخلی قلب- سرداق

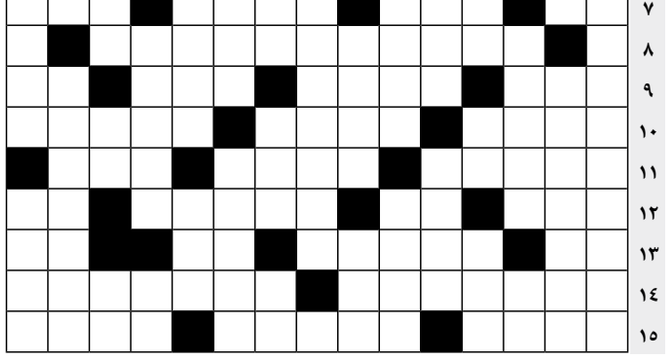

حل جدول عادی شماره ۶۴۹۷

حل جدول ویژه شماره ۶۴۹۷